

### خلاصه کنید

- قبل از غلبه حس گرایی، دانشمندان علوم را به دو بخش نظری و عملی تقسیم کرده‌اند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### مفاهیم کلیدی

علوم نظری؛ علوم عملی، ...

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

## فصل دوم

# جهان اجتماعی

- ۱- جهان اجتماعی و جهان طبیعی
- ۲- اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی
- ۳- انواع جهان اجتماعی
- ۴- پیامدهای جهان اجتماعی
- ۵- جهان‌های اجتماعی

### انتظار می‌رود در پایان این فصل دانش آموز:

- مفهوم «جهان اجتماعی» را تفسیر کند؛
- ویژگی‌های جهان اجتماعی را در مقایسه با جهان طبیعی تحلیل کند؛
- اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی را تشریح کند؛
- فرصت‌ها و محدودیت‌های جهان اجتماعی را توضیح دهد؛
- انواع تفاوت‌ها و تغییرات جهان اجتماعی را بیان کند؛
- عناصر و مؤلفه‌های اساسی جهان اسلام را بیان کند؛
- انواع جهان‌های اجتماعی را نام ببرد.



# جهان اجتماعی و جهان طبیعی



## ویژگی‌های مشترک موجودات زنده

موجودات جهان طبیعی را به زنده و غیرزنده تقسیم کرده‌اند؛ منظور از موجودات زنده، گیاهان و حیوانات است. به نظر شما موجودات زنده چه ویژگی‌های مشترکی دارند؟

موجودات زنده را موجودات اندام‌واره یا ارگانیک می‌نامند. برخی از ویژگی‌های این دسته



از موجودات عبارتند از:

۱- دارای اندام و اعضای متفاوتی هستند، مثلاً گیاه دارای ریشه، ساقه و برگ است و بدن انسان، قلب، مغز، دست و ... دارد.

۲- اعضای موجود زنده به یکدیگر وابسته‌اند و اغلب نمی‌توانند به صورت مستقل تداوم یابند و هریک از آنها برخی از نیازهای اعضای دیگر را تأمین می‌کند.

۳- اعضاء برای حفظ و تداوم حیات موجود زنده با یکدیگر عمل می‌کنند؛ از این رو، برخی از اعضا هنگامی که موجود زنده به آنها نیاز داشته باشد به وجود می‌آیند یا بعد از رفع نیاز موجود زنده از بین می‌روند.

۴- اعضا برای تأمین هدف مشترک خود از چپش و نظم‌ی مناسب برخوردارند.

۵- عضویت اعضای موجودات زنده و روابط و ساختار آنها تکوینی است؛ یعنی، براساس آگاهی و اراده اعضا به وجود نمی‌آیند و به همین دلیل با اراده اعضا تغییر نمی‌کنند.

### نمونه بیاورید

در مراحل مختلف رشد موجودات زنده، بعضی از عضوها و اندامها، بر حسب نیاز در بدنشان پدید می‌آید و پس از رفع آن نیاز از بین می‌روند. آیا می‌توانید بعضی از این اعضاء و اندامها را نام ببرید؟

## جهان اجتماعی در مقایسه با موجودات زنده

برخی جهان اجتماعی انسان را به بدن موجودات زنده (ارگانیسم) تشبیه کرده‌اند؛ مانند سعدی که می‌گوید: «بنی آدم اعضای یک پیکرند».

به نظر شما، آیا این تشبیه کامل است؟ اگر کامل نیست، چه تفاوتی بین موجود زنده و جهان اجتماعی انسان وجود دارد؟

جهان اجتماعی همان نظام اجتماعی است؛<sup>۱</sup> این جهان بی‌شباهت با موجودات زنده نیست. برخی از ویژگی‌های موجود زنده در جهان اجتماعی نیز وجود دارد. جهان اجتماعی مانند بدن یک موجود زنده دارای اعضای مختلف است و این اعضا در ارتباط با هم از نوعی نظم برخوردارند. با وجود همهٔ این شباهت‌ها، تفاوت‌های مهمی میان اندام‌واره‌ی موجود زنده با جهان اجتماعی وجود دارد. مهم‌ترین و اصلی‌ترین تفاوت این است که نظم و چینش عناصر و اعضای جهان اجتماعی، طبیعی و تکوینی نیست، بلکه با اراده و آگاهی انسان تعریف می‌شود و با قرارداد و اعتبار انسان‌ها به وجود می‌آیند.

جهان اجتماعی بیش‌تر شبیه یک بازی گروهی است. در بازی گروهی مثل فوتبال، اعضای مختلفی باید شرکت داشته باشند، هویت هر عضو و کاری که او انجام می‌دهد، توسط بازیکنان تعریف شده یا مورد قبول واقع می‌شود و بر این اساس، بازی ادامه پیدا می‌کند.

کارگران، کشاورزان، دانش‌آموزان، معلمان و همچنین خرده نظام‌های اجتماعی مانند آموزش و پرورش، خانواده و ...، اعضای جهان اجتماعی‌اند. انسان‌ها با پذیرش و قبول این عضویت به جهان اجتماعی راه می‌یابند؛ نقش مربوط به خود را بر عهده می‌گیرند و از مزایا، حقوق و تکالیف مربوط به عضویت خود برخوردار می‌شوند.

براساس آنچه در درس هفتم گفتیم، تفاوت جهان اجتماعی با موجودات زنده در این است که جهان اجتماعی پدیده‌ای ارادی و اعتباری است؛ ولی موجود زنده، پدیده‌ای تکوینی است.



### تحلیل کنید

- شما در جهان اجتماعی خود، چه نقش‌هایی بر عهده دارید و از چه مزایایی برخوردارید؟
- به چه دلیل جهان اجتماعی پدیده‌ای طبیعی و تکوینی نیست؟

۱- در سالهای بالاتر با مفاهیم جهان اجتماعی و نظام اجتماعی بیشتر آشنا می‌شویم.

## فرهنگ و بازتولید جهان اجتماعی

زندگی موجودات زنده طی نسل‌های مختلف از طریق صفات ارثی تداوم پیدا می‌کند؛ به نظر شما جهان اجتماعی چگونه تداوم می‌یابد؟

جهان اجتماعی و نظم آن، پدیده‌ای طبیعی و تکوینی نیست بلکه هستی آگاهانه‌ای دارد. به علاوه آگاهی و شناختی که جهان اجتماعی براساس آن شکل می‌گیرد، یک آگاهی فردی و خصوصی نیست بلکه نوعی آگاهی مشترک و عمومی است. همان‌گونه که در یک بازی جمعی بازیکنان نمی‌توانند نسبت به قواعد بازی یا عضویت دیگران بی‌اطلاع باشند؛ یا قواعد و عضویت آنان را نپذیرند، در کنش‌های اجتماعی نیز کنشگران نمی‌توانند نسبت به حضور دیگران و جایگاه و نقش آنان، بی‌توجه و غافل باشند.



در زمین فوتبال بازیکنان، داوران و تماشاگران قواعد بازی را می‌دانند. عضویت و نقش یکدیگر را می‌شناسند. بدون این مجموعه شناخت‌ها، بازی فوتبال ممکن نیست. زندگی اجتماعی نیز با چنین شناخت‌هایی ممکن می‌شود. شاید تا به حال توجه کرده‌اید که وقتی با غریبه‌ای برخورد می‌کنید در ابتدا حرف‌چندانی برای گفتن با یکدیگر ندارید، ولی بعداً با یکی دو پرسش (مانند شما چه کاره‌اید؟ یا اهل کجا هستید؟) سرگفت و گورا باز می‌کنید. هدف شما از این پرسش‌ها پی بردن به نقش و جایگاه طرف مقابل و پیدایش آگاهی مشترک برای تعامل با یکدیگر است. در تعریفی، می‌توان گفت: به مجموعه شناخت مشترکی که جهان اجتماعی براساس آن شکل می‌گیرد، «فرهنگ» گفته می‌شود.

فرهنگ از طریق صفات ارثی از یک نسل به نسل دیگر منتقل نمی‌شود بلکه به وسیله آموزش، تعلیم و تربیت، انتقال پیدا می‌کند.

هرگاه یک نسل نتواند فرهنگ خود را حفظ کند یا نتواند آن را به نسل بعد منتقل سازد، جهان اجتماعی آن فرو می‌ریزد یا دگرگون می‌شود. هر جامعه طی نسل‌های مختلف، با انتقال فرهنگ خود به بازتولید خویش می‌پردازد.



#### گفت‌وگو کنید

- کدام بخش از فرهنگ توسط خانواده و کدام بخش توسط مدرسه انتقال پیدا می‌کند؟ نمونه‌هایی را بیان کنید.
- شیوه انتقال فرهنگ مربوط به حرفه‌ها در جوامع گذشته و امروز چه تغییراتی کرده است؟



## خلاصه کنید

– موجودات زنده، دارای اعضای وابسته به یکدیگرند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

## مفاهیم کلیدی

جهان اجتماعی؛ .....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

## آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

# اجزا و لایه‌های جهان اجتماعی



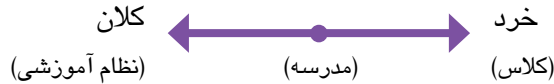
## اجزای جهان اجتماعی

همان‌گونه که موجودات اندام‌واره، دارای اجزای متفاوت‌اند، جهان اجتماعی نیز اجزای مختلفی دارد. دانشمندان این اجزا را به صورت‌های مختلفی تقسیم کرده‌اند. شما این کار را چگونه انجام می‌دهید؟

**تقسیم براساس نظام اجتماعی:** در سال گذشته، با مفهوم نظام اجتماعی آشنا شدیم و آموختیم که پدیده‌های اجتماعی را براساس خرده نظام‌ها می‌توان تقسیم کرد. خرده نظام‌هایی که تاکنون با آنها آشنا شده‌ایم، عبارت‌اند از: اقتصادی، سیاسی، خانواده و آموزش. هر پدیده اجتماعی به یکی از این خرده نظام‌ها مربوط می‌شود. مثلاً کالا پدیده اجتماعی مربوط به نظام اقتصادی و ازدواج، پدیده اجتماعی مربوط به نظام خانواده است.

**تقسیم براساس اندازه و دامنه:** برخی از دانشمندان پدیده‌های اجتماعی را براساس اندازه

و دامنه آنها، تقسیم می‌کنند. در این تقسیم‌بندی می‌توان پیوستاری ترسیم کرد که در یک سوی این پیوستار، پدیده‌های خرد، مثل کنش‌های اجتماعی افراد و در سوی دیگر پدیده‌های کلان، مثل نظام اجتماعی قرار دارند و در میانه پیوستار، پدیده‌هایی که دامنه متوسط دارند، قرار می‌گیرند.

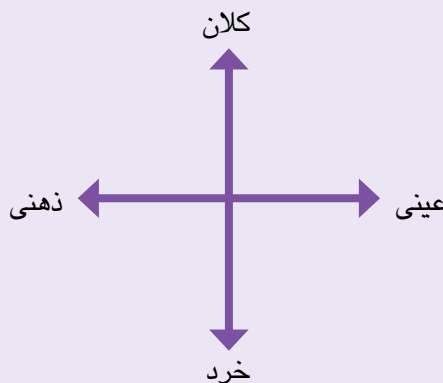


**تقسیم بر اساس ذهنی و عینی بودن:** هیچ‌یک از اجزای جهان اجتماعی بدون معنا نیست؛ به همین دلیل، همه پدیده‌های اجتماعی، هویتی معنایی و ذهنی دارند، اما همه‌ی پدیده‌های اجتماعی دارای بُعد محسوس و عینی نیستند؛ پدیده‌های اجتماعی را از جهت عینی و محسوس بودن یا ذهنی و نامحسوس بودن در یک پیوستار قرار می‌دهند. در یک سوی پیوستار، پدیده‌هایی هستند که بُعد محسوس قوی‌تری دارند؛ مانند: ساختمان‌های مسکونی و اداری یا کنش‌های بیرونی و در سوی دیگر، پدیده‌های کاملاً ذهنی قرار می‌گیرند؛ مثل: عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی.



### تمرین کنید

جایگاه پدیده‌های اجتماعی زیر را بر روی دو پیوستار خرد – کلان و ذهنی – عینی تعیین کنید. شهر، هدیه‌دادن برای روز تولد یک دوست، عدالت اجتماعی،



## لایه‌های جهان اجتماعی

اعضای متفاوت بدن موجود زنده اهمیت یکسانی ندارند. برخی مهم و برخی مهم‌ترند. مثلاً اهمیت قلب و مغز بیشتر از چشم و دست است. بدون چشم و دست می‌توان زنده ماند، اما بدون قلب و مغز نمی‌توان زندگی کرد. آیا می‌دانید نسبت اجزای مختلف جهان اجتماعی چگونه است؟ آیا همه آنها اهمیتی یکسان دارند؟

در این درس، این مطلب را می‌آموزیم که اجزا و بخش‌های مختلف جهان اجتماعی دارای اهمیتی یکسان نیستند؛ بخش‌هایی به سهولت تغییر پیدا می‌کنند و تغییر آنها، تحولی مهم در جهان اجتماعی پدید نمی‌آورد؛ برخی می‌توانند حذف شوند و با حذف آنها جهان اجتماعی استمرار پیدا می‌کند؛ اما بخش‌های دیگر نمی‌توانند حذف شوند، چون با حذف آنها، جهان اجتماعی فرو می‌ریزد و برخی از آنها به گونه‌ای هستند که با تغییرشان، جهان اجتماعی نیز تغییر بنیادین پیدا می‌کند و



به صورت جهانی جدید درمی‌آید.

به بخش‌هایی که امکان تغییر بیشتر داشته و نقش حیاتی و اساسی ندارند، «لایه‌های سطحی جهان اجتماعی» و به بخش‌هایی که تأثیر حیاتی و تعیین‌کننده برای جهان اجتماعی دارند، «لایه‌های عمیق و بنیادین جهان اجتماعی» می‌گوییم.

## پاسخ دهید:

کدام یک از پدیده‌های اجتماعی زیر، بر زندگی اجتماعی تأثیر حیاتی و تعیین‌کننده دارند: خانواده، نظام تعلیم و تربیت، لهجه‌های مختلف زبان، آداب جشن تولد؟

## نمادها و عقاید

در لایه‌های عمیق جهان اجتماعی، اجزا و پدیده‌هایی قرار دارند که تأثیرات همه‌جانبه و فراگیر نسبت به دیگر اجزا دارند و کمتر در معرض تغییر و تحول قرار می‌گیرند؛ اما لایه‌های سطحی، هم تأثیرات محدودتری دارند و هم بیشتر در معرض تغییرند. به نظر شما، عمیق‌ترین و سطحی‌ترین لایه‌های اجتماعی کدام‌اند؟

شما می‌دانید که «از جای برخاستن» گاهی به معنای احترام‌کردن و گاهی به معنای اعتراض است. برخاستن هنگام ورود کسی، نشانهٔ احترام به اوست و گاهی برخاستن در حین سخنرانی یک فرد، نشانهٔ بی‌احترامی به او است و زمانی برخاستن نمایندگان مجلس هنگام رأی دادن به



طرح‌ها و لوايح، نشانه‌ی تأييد بود.

به چيزی که به‌عنوان نشانه يا نماينده پديده ديگری به کار می‌رود نماد گفته می‌شود. انسان‌ها از نمادها اغلب برای انتقال معانی استفاده می‌کنند. زبان گفتاری و نوشتاری، بخشی از نمادهایی است که در کنش‌های انسانی مورد استفاده قرار می‌گیرد و از آشکارترین و سطحی‌ترین پديده‌های اجتماعی هستند.

هیچ جامعه‌ای بی‌نیاز از کنش‌ها و رفتارهای نمادین نیست، ولی نمادها برحسب شرایط در زمینه‌های مختلف قابل تغییرند و تغییر آنها تا زمانی که به تغییر در لایه‌های عمیق اجتماعی منجر نشود، موجب تحول و تغییر جهان اجتماعی نمی‌شود.

عقاید و ارزش‌ها در لایه‌های عمیق قرار می‌گیرند. عمیق‌ترین لایه اجتماعی، عقاید کلانی هستند که بر آرمان‌ها و ارزش‌های اجتماعی تأثیر می‌گذارد. باور و اعتقادی که انسان نسبت به اصل جهان و جایگاه انسان در آن دارد و تفسیری که او از زندگی و مرگ خود دارد، عمیق‌ترین پديده‌های اجتماعی‌اند.

جامعه‌ای که جهان را به زندگی دنیا محدود می‌کند و دل به این جهان می‌سپارد، آرمان‌ها و ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای خود را متناسب با آن شکل می‌دهد؛ اما جامعه‌ای که جغرافیای هستی را فراتر از زندگی دنیا می‌بیند، جایگاه انسانی، آرمان‌ها، ارزش‌ها، حقوق و تکالیف او را متناسب با آن سازمان می‌دهد.

### نمونه بیاورید

در نظام خانواده برای عقاید، ارزش‌ها، هنجارها و نمادها یک مثال بیاورید:



### خلاصه کنید

- جهان اجتماعی را می‌توان براساس خرده‌نظام‌های مختلف آن تقسیم کرد.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### مفاهیم کلیدی

نماد: .....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

# جهان‌های اجتماعی





## گوناگونی جهان اجتماعی

همکاری اعضای موجودات اندامواره، طی نسل‌های مختلف، واحد و یکسان است. همکاری حیواناتی که به صورت جمعی زندگی می‌کنند طی عصرهای متمدنی تفاوت نمی‌کند. مثلاً زنبور عسل از هزاران سال قبل تاکنون با نظامی واحد زندگی می‌کند. آیا جهان اجتماعی انسان نیز شکلی واحد دارد؟ آیا ما انسان‌ها تنها یک نوع جهان اجتماعی داریم؟

همه ما در جهان اجتماعی متولد می‌شویم و پس از ما نیز جهان اجتماعی همچنان وجود دارد. اگر ما فقط جهانی را ببینیم که در آن متولد شده‌ایم، شاید گمان کنیم که جهان اجتماعی دارای شکل واحدی است و صورت‌های متنوعی ندارد. هنگامی که چشم خود را بر جوامع دیگری می‌گشاییم که هم اینک در دیگر نقاط جهان زندگی می‌کنند؛ یا هنگامی که به تاریخ گذشته خود



رجوع می‌کنیم و جهان خود را با آنان مقایسه می‌نماییم، به سرعت به تنوع جهان‌های اجتماعی پی می‌بریم.

انسان‌هایی که در مکانها و زمان‌های گوناگون زندگی می‌کنند، همکاری و تعامل اعضای بدن آنها مشابه و یکسان است، برای مثال، خون در رگ‌های همه با ضربان قلب جریان پیدا می‌کند. ریه اکسیژن هوا را جذب می‌کند. حیواناتی هم که در اطراف انسان‌ها زندگی می‌کنند، در هر جا که باشند، شیوه زندگی مشابهی دارند، اما انسان‌ها کنش‌های اجتماعی مختلفی دارند و در جهان‌های مختلفی زندگی می‌کنند.

دلیل تفاوت همکاری اعضا و اجزای جهان اجتماعی انسان‌ها با موجودات دیگر این است که رفتار آن موجودات ناآگاهانه یا غریزی است.

جهان اجتماعی بر دوش انسان آگاه و برخوردار از خلاقیت استوار است. انسان در قبال فرهنگی که از طریق آموزش و تربیت به او منتقل می‌شود، فقط موجودی منفعل و پذیرنده نیست؛ بلکه کنشگری فعال و تأثیرگذار نیز هست. تنوع معرفت انسان‌ها و همچنین تنوع اراده و اختیار آنها سبب پیدایش جهان‌های مختلف می‌شود.

#### مقایسه کنید

«آپارتاید» جامعه‌ای مبتنی بر تبعیض نژادی است. ارزش‌های انسانی جهان اجتماعی اسلام را با ارزش‌های انسانی جامعه مبتنی بر آپارتاید مقایسه کنید.



## تغییرات جهان اجتماعی

تفاوت‌های فراوانی در جهان اجتماعی وجود دارد و تغییرات بسیاری درون آن رخ می‌دهد؛ نسل‌ها همواره در حال تغییرند، شیوه و سبک زندگی همواره تغییر پیدا می‌کند، نظام‌های سیاسی متحول می‌شوند و انقلاب‌های اجتماعی شکل می‌گیرند. آیا با هریک از این تغییرات، جهان اجتماعی جدیدی به وجود می‌آید؟



هر تغییری را که در زندگی اجتماعی رخ می‌دهد، نمی‌توان از نوع تغییر جهان اجتماعی، دانست. یک جهان اجتماعی واحد، تحولات و صورت‌های مختلفی را در درون خود می‌پذیرد. جمعیت یک جامعه کم یا زیاد می‌شود؛ اقتصاد آن رشد یا افول می‌کند و زبان و لهجه مردم دگرگون می‌شود، اما جهان اجتماعی هویت خود را حفظ می‌کند و گاه نیز جمعیت ثابت می‌ماند، درآمد ملی تغییر نمی‌کند و زبان متحول نمی‌شود؛ اما تفاوت‌های دیگری به وجود می‌آید که نشان از ظهور جهان اجتماعی جدید دارد.

تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های سطحی جهان اجتماعی باشد، از نوع تفاوت‌هایی است

که در درون یک جهان واحد واقع می شود؛ اما تفاوت‌هایی که مربوط به لایه‌های عمیق جهان اجتماعی باشد و به عناصر ثابت و محوری آنها باز گردد، جزء تفاوت‌هایی است که یک جهان اجتماعی را به جهان اجتماعی دیگر تبدیل می‌کند.

تفاوت‌هایی که به ارزش‌های کلان، آرمان‌ها و اعتقادات اصلی باز می‌گردد، از نوع تفاوت‌های میان جهان‌های اجتماعی مختلف است و تفاوت‌هایی که به حوزه نمادها، هنجارها و مانند آن باز می‌گردد، تا زمانی که ناشی از تغییرات عمیق‌تر نباشد یا به تفاوت در لایه‌های عمیق‌تر منجر نشود، درون یک جهان اجتماعی واحد باقی خواهند ماند.

### گفت‌وگو کنید

در کلاس درباره سه نمونه از تفاوت‌های فرهنگی که درون جهان اجتماعی اسلام وجود دارد، گفت‌وگو کنید.

## عناصر محوری جهان اسلام

دانستیم در بدن هر موجود زنده، برخی از اعضا نقش حیاتی دارند؛ یعنی، اعضایی اند که زندگی و مرگ موجود زنده وابسته به آنهاست. در هر جهان اجتماعی نیز برخی از معانی نقش کلیدی و حیاتی دارند؛ آیا می‌توانید عناصر کلیدی جهان اسلام را شناسایی کنید؟

ما با نام جهان اسلام آشناسیم و خود در درون این جهان زندگی می‌کنیم. عناصر بنیادین و اصلی این جهان کدام‌اند؟ بدون شک زبان، نژاد و اموری از این قبیل را نمی‌توان در زمره این عناصر دانست؛ زیرا زبان‌ها و نژادهای مختلفی در این جهان وجود دارد که قبل از ظهور اسلام وجود داشته‌اند؛ به طوری که اعراب به زبان عربی و ایرانیان قبل از اسلام به فارسی سخن می‌گفتند.

معانی محوری اسلام، همان مفاهیم و حقایقی‌اند که قبل از آن در جامعه جاهلی آن روز نبود و جامعه جاهلی در قبال آنها مقاومت می‌کرد و مفاهیم محوری جهان جاهلیت قبل از اسلام، همان معانی است که اسلام آنها را از میان برد.

توحید و یکتاپرستی، عمیق‌ترین لایه اعتقادی جهان اسلام است. این معنا به نوبه خود،





خلافت و کرامت انسان و همچنین آیت و نشانه بودن جهان را نسبت به خداوند سبحان به دنبال آورد و ارزش‌ها و هنجارها و نمادهای بعدی را سازمان داد و معنا بخشید. با آمدن مفاهیم و معانی بنیادین جهان اسلام، مفاهیم محوری جهان جاهلی شبه‌جزیره عربستان یعنی شرک و بت‌پرستی و نگاه نژادی و قبیله‌ای به انسان فرو ریخت و نمادهای مربوط به آنها نیز در هم شکست.

معانی عمیق و بنیادین هر فرهنگ در حکم بنیان‌ها و سنگرهای اصلی آن فرهنگ‌اند. جهان اسلام با نابود کردن سنگرهای کلیدی جامعه جاهلی، سطوح و لایه‌های پایین جامعه جاهلی را در خدمت معانی عمیق و حیاتی خود قرار داد و از این طریق، زبان عربی نیز حامل کلام و بیان الهی شد.

#### مقایسه کنید

● دو ارزش اجتماعی جهان اسلام را در مقایسه با ارزش‌های اجتماعی جهان جاهلی قبل از اسلام بیان کنید.

● شعر زیر دو دسته ارزش را در مقابل هم نشان می‌دهد آنها را بیان کنید:

مرد حجبی هم‌ره حاجی طلب	خواه هندی، خواه ترک، یا عرب
منگر اندر نقش و اندر رنگ او	بنگر اندر عزم و در آهنگ او
گر سیاه است و هماهنگ تو است	تو سفیدش خوان که هم‌رنگ تو است

مولوی

### خلاصه کنید

انسان ها در جهان های اجتماعی مختلفی زندگی می کنند.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### مفاهیم کلیدی

تنوع جهان های اجتماعی؛  
جهان اجتماعی اسلام؛ .....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....



# پیامدهای جهان اجتماعی



## پیامدهای الزامی

در درس‌های گذشته دانستیم که انسان با اراده و آگاهی خود به کنش اجتماعی می‌پردازد و در ساخت جهان اجتماعی و باز تولید آن مشارکت می‌کند. آیا این حقیقت به این معناست که جهان اجتماعی فقط وابسته به اعتبار ماست و ما همواره می‌توانیم هرگونه که بخواهیم آن را با اعتبار و عمل خود بسازیم؟



جهان اجتماعی از بستر اعتبار و خواسته‌های آدمیان پدید می‌آید و این پدیده، پس از آن که با کنش و رفتار انسان تحقق پیدا کرد، پیامدها و الزام‌هایی را به دنبال می‌آورد که به اعتبار و اراده ما نیست؛ البته این پیامدها، موقعیت جدیدی برای کنش‌ها و انتخاب‌های بعدی ما به وجود می‌آورد.

انسان‌ها همواره در جهانی دیده می‌گشایند که توسط گذشتگان آنان پدید آمده است؛ در این جهان، باورها، عقاید، ارزش‌ها، قواعد، مقررات، هنجارها و نمادهای آن‌ها شکل گرفته‌اند. الزام‌ها و پیامدهای این جهان، سایه خود را بر وجود ما نیز می‌گستراند، اما هر یک از ما صرفاً یک کنشگر منفعل نیستیم؛ بلکه می‌توانیم یا در جهت تداوم و بسط و توسعه این جهان حرکت کنیم یا در مسیر حرکت به سوی جهانی جدید گام برداریم. ساختن جهانی جدید نیازمند گسترش معرفت و آگاهی و اراده نوین است و ممکن است جهان موجود، اجازه بسط آن را نیز ندهد.

تا زمانی که یک جهان اجتماعی از طریق مشارکت اجتماعی افراد پابرجاست، پیامدهای ضروری و الزامی آن نیز باقی است. با تغییر جهان اجتماعی موجود و برداشته شدن الزام‌های آن، جهان اجتماعی جدیدی شکل خواهد گرفت و به دنبال آن، الزام‌های دیگری به وجود می‌آید که بر فعالیت اجتماعی اعضای آن تأثیر می‌گذارد.

### تحلیل کنید

چه زمانی پلیس مسیر حرکت جاده چالوس به تهران را یک طرفه اعلام می‌کند. پیامدهای الزامی این امر را بیان کنید.



## فرصت‌ها و محدودیت‌ها

آیا آثار و پیامدهای ضروری اعتبارات اجتماعی، محدودکننده انسان است یا این که فرصت‌های جدیدی برای انسان پدید می‌آورد؟ دیدگاه‌های مختلفی در این باره وجود دارد. نظر شما در این زمینه چیست؟



قوانین و مقررات راهنمایی و رانندگی را در نظر بگیرید. این قواعد به اراده و اعتبار انسان‌ها وضع می‌شوند. بدیهی است که تحقق این مقررات، محدودیت‌هایی را برای رانندگان و عابران پدید می‌آورد. اما آیا فکر کرده‌اید که اگر مقررات راهنمایی و رانندگی برداشته شود، چه اتفاقی می‌افتد؟ آیا رانندگان یا عابران می‌توانند با ایمنی تردد کنند؟ آیا زمان رسیدن به مقصد برای رانندگان کوتاه‌تر خواهد شد؟

مقررات راهنمایی و رانندگی با آن که محدودیت‌هایی به وجود می‌آورد، عمل کردن به آنها، فرصت رفت و آمد ایمن و سریع را نیز به دنبال دارد.

هر بخشی از جهان اجتماعی، فرصت‌ها و محدودیت‌هایی دارد و هر جهان اجتماعی نیز براساس عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های مربوط به خود، افق‌ها و ظرفیت‌های جدیدی را برای انسان پدید می‌آورد و ممکن است ظرفیت‌ها و توانمندی‌های دیگر بشر را نادیده انگارد یا از بین ببرد. می‌توان جهان‌های اجتماعی مختلف را براساس ارزش‌ها و آرمان‌های آن و نیز مطابق با پیامدها و نتایجی که به دنبال می‌آورند، ارزیابی کرد:

برخی از جهان‌ها، استعداد‌های «معنوی» انسان را نادیده می‌گیرند یا فرصت باروری و شکوفایی سطوح مختلف عقلانیت را فراهم نمی‌آورند. برخی دیگر، مانع از بسط «ابعاد دنیوی» وجود انسان می‌شوند و با رویکرد دنیاگریز خود، از توانمندی‌های آدمی برای آباد کردن این جهان استفاده نمی‌کنند.

### گفت و گو کنید

با نگاه به تمدن‌های مختلف بشری، نمونه‌هایی از جهان‌های اجتماعی مختلف را نشان دهید.

## جهان متجدد

منظور از جهان متجدد، غرب بعد از رنسانس، یعنی جهان غرب چهارصدسال اخیر است. نظریه پردازان و جامعه‌شناسان درباره ویژگی‌های این جهان گفت و گوهای بسیاری کرده‌اند و فرصت‌ها و محدودیت‌هایی را که این جهان برای بشریت به وجود آورده است، به بحث گذارده‌اند. به نظر شما، ویژگی‌های برجسته این جهان چیست؟



ماکس وبر درباره ویژگی‌های مثبت و منفی این جهان به نکات زیر توجه کرده است:

اول: **رویکرد دنیوی و این جهانی**؛ جهان غرب در جهت به خدمت گرفتن زندگی دنیوی و تسلط انسان بر این عالم گام برداشت و زمینه‌های تاریخی و معرفتی خود را نیز در این مسیر به کار گرفت.

دوم: **افسون زدایی**؛ منظور معنازدایی و تقدس زدایی از جهان است. جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم از مواد و موجودات خامی ساخته شده است که همه در اختیار و کنترل بشرند. به وسیله او

به کار می‌روند، دگرگون می‌شوند و به مصرف می‌رسند و دیگر هیچ‌گونه راز و رمز و قداستی ندارند. عناصر مقدس از این جهان طرد می‌شوند.



سوم: **بسط و توسعه عقلانیت ابزاری**؛ مراد از عقلانیت ابزاری، دانش‌ها و علوم تجربی است. این علوم با روش تجربی خود، قدرت پیش‌بینی و پیش‌گیری حوادث و مسائل طبیعی را به انسان می‌دهد.

چهارم: **غلبه کنش‌های عقلانی معطوف به هدف**<sup>۱</sup>؛ مراد از عقلانیت در این عبارت، عقلانیت ابزاری و منظور از هدف، امور قابل دسترس در این جهان است؛ یعنی در این جهان، آدمیان متوجه اهداف دنیوی‌اند و برای رسیدن به این هدف‌ها از علوم تجربی استفاده می‌کنند.

پنجم: **زوال عقلانیت ذاتی**؛ منظور از عقلانیت ذاتی، سطحی از عقلانیت است که درباره ارزش‌ها، آرمان‌ها و اهداف زندگی به تأمل می‌پردازد. در جهان متجدد، متافیزیک و علمی که داوری‌های ارزشی می‌کنند از بین می‌روند.



● صحنه‌ای از فیلم  
عصر جدید چارلی چاپلین

ششم: **قفس آهنین**؛ یعنی، افرادی که قصد تسلط بر این جهان را دارند، به تدریج اسیر یک نظام اجتماعی برنامه‌ریزی شده‌ای می‌شوند که مثل یک قفس آهنین، همه ابعاد وجود آنان را احاطه می‌کند. ماکس وبر معتقد است: «انسان جهان متجدد نمی‌تواند از قفسی که برای خود می‌سازد، رهایی پیدا کند.»

### تحلیل کنید

- به نظر شما، کدام یک از ویژگی‌های ذکر شده درباره جهان متجدد، فرصت و کدام یک محدودیت است؟
- تصویری را که چارلی چاپلین در فیلم «عصر جدید» از انسان معاصر ارائه می‌دهد، تحلیل کنید.

۱- وبر از چهار کنش اجتماعی یاد می‌کند: کنش عقلانی معطوف به هدف، کنش عقلانی معطوف به ارزش، کنش عاطفی، کنش سنتی. در نگاه او در جهان متجدد کنش‌های نوع اول عرصه را بر سایر کنش‌ها تنگ می‌کند.

### خلاصه کنید

جهان اجتماعی پس از به وجود آمدن، پیامدهایی غیر ارادی دارد.

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### مفاهیم کلیدی

جهان متجدد؛ .....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

### آنچه از این درس آموختیم

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

# انواع جهان اجتماعی



## جهان‌های اجتماعی در طول هم

موجود زنده در مراحل مختلف رشد خود متفاوت می‌شود؛ مثلاً در دوره‌ی میانسالی متفاوت از نوزادی و جوانی است. دو موجود زندهٔ مختلف هم با یکدیگر تفاوت‌هایی دارند. به نظر شما تفاوت جوامع مختلف با هم شبیه کدام یک از موارد بالاست؟

عده‌ای از جامعه‌شناسان معتقدند همهٔ جوامع انسانی شبیه یکدیگرند. آنان معتقدند هر جامعهٔ انسانی شبیه یک موجود زنده است که مراحل مختلف رشد را از دوران ابتدایی تا مراحل بزرگسالی طی می‌کند؛ همان‌گونه که موجود زنده در مراحل رشد خود، حالت‌های متفاوتی پیدا

می‌کند، تفاوت جوامع بشری با یکدیگر نیز از این قبیل است. برخی جوامع در مراحل اولیه به سر می‌برند و برخی دیگر، در مراتب پیشرفته قرار گرفته‌اند.

کسانی که برای همهٔ جوامع مسیر مشابه و واحدی ترسیم می‌کنند، نگاه تک‌خطی به تاریخ دارند. در این دیدگاه، همهٔ جوامع در یک خط و در طول یکدیگرند؛ بعضی از جوامع در این مسیر واحد، پیشتر هستند و بعضی در مقایسه با جوامع پیشرفته عقب مانده‌اند و جوامعی که به لحاظ تاریخی عقب مانده‌اند، باید جوامع پیشرفته را الگوی حرکت خود قرار دهند.

یکی از جامعه‌شناسان، حرکت طولی جوامع بشری را به دو مقطع تقسیم می‌کند. او جوامع مقطع نخست را «جوامع مکانیکی» و جوامع مقطع دوم را که مربوط به عصر جدید است، «جوامع ارگانیکی» می‌نامد. در جوامع مکانیکی، تقسیم کار شکل نگرفته است یا تقسیم کار در حد ساده و ابتدایی است؛ ولی در جوامع ارگانیکی، تقسیم کار گسترده وجود دارد.



### تحلیل کنید

دیدگاه تک‌خطی برای جوامع پیشرفته، چه مسئولیت و رسالتی قائل است؟ نظریهٔ استعمار را بر این اساس تحلیل کنید.

## جهان‌های اجتماعی در عرض هم

کسانی که جوامع را مانند موجودات متفاوت در عرض یکدیگر می‌بینند، اختلاف جوامع را چگونه تفسیر می‌کنند؟ آیا براساس این دیدگاه مراحل رشد و تحول جوامع مختلف شبیه یکدیگرند؟



عده‌ای از اندیشمندان اجتماعی به تفاوت موضوع علوم اجتماعی و علوم طبیعی توجه کرده‌اند. آنان می‌گویند پدیده‌های اجتماعی سرشار از معانی متفاوت‌اند. این معانی می‌توانند

صورت‌های مختلفی داشته باشند و هر یک، جهانی متناسب با خود را به وجود آورد. هر جهان اجتماعی، فرهنگ و تمدن مناسب خود را به وجود می‌آورد. بر اساس این دیدگاه، جهان‌های اجتماعی مختلف در عرض یکدیگرند نه در طول هم. فرهنگ‌ها و تمدن‌ها براساس آرمان‌ها و ارزش‌های خود، تحولاتی را دنبال می‌کنند و مقاطع مختلفی را می‌پیمایند. مسیر این تحولات یکسان نیست. برخی از آنها زمانی دراز تداوم پیدا می‌کنند و بعضی دیگر پس از مدتی از بین می‌روند. جوامعی که متعلق به فرهنگ‌های مختلف هستند، با روابط متقابلی که دارند می‌توانند از تجربیات یکدیگر استفاده کنند؛ اما هیچ یک از آنها با حفظ هویت خود نمی‌تواند مسیر فرهنگ دیگر را ادامه دهد. فرهنگ سالم و فعال همانند موجود زنده با جهان اطراف خود برخورد می‌کند. چنین فرهنگی مطابق با نیاز خود بخش‌هایی از فرهنگ‌های دیگر را انتخاب می‌کند؛ و در صورتی که لازم باشد تغییراتی را در آنها به وجود می‌آورد و سپس از آنها استفاده می‌کند. مردم‌شناسان از فرهنگ‌ها و تمدن‌های متفاوتی که در عرض یکدیگر قرار دارند یاد کرده‌اند، مثل فرهنگ‌ها و تمدن‌های غرب، اسلام، چین و هند.



### بیندیشید

فرهنگی که بدون انتخاب و گزینش، بخش‌هایی از فرهنگ دیگر را تقلید کند، چه سرنوشتی خواهد داشت؟





## جهان‌های معنوی و دنیوی

جهان‌های اجتماعی را می‌توان براساس فرهنگ و نوع اعتقادات، آرمان‌ها و ارزش‌های آنها به اقسامی تقسیم کرد. این تقسیم‌بندی را چگونه می‌توان انجام داد؟

از جمله تقسیماتی که دربارهٔ جهان‌های اجتماعی براساس نوع فرهنگ و اعتقادات آنها می‌توان انجام داد، تقسیم به دو جهان دنیوی و معنوی است. فرهنگ دنیوی را «فرهنگ سکولار» نیز می‌گویند و مراد از آن، فرهنگی است که عقاید، آرمان‌ها و ارزش‌های آن مربوط به این جهان است. در این فرهنگ، جهان دیگر انکار می‌شود و یا در محدودهٔ منافع‌هایی که برای خواسته‌های این جهانی بشر دارد، پذیرفته می‌شود. جامعهٔ سکولار همهٔ ظرفیت‌ها و استعداد‌های انسان را در خدمت این جهان به کار می‌گیرد و ظرفیت‌ها و خواسته‌های معنوی انسان‌ها را به فراموشی می‌سپارد. فرهنگ معنوی، جغرافیای هستی را فراتر از جغرافیای طبیعت می‌بیند و زندگی این جهان را در سایهٔ حیات زندگی برتر، مقدس و متعالی می‌گرداند. انسان در این فرهنگ از محدودهٔ مرزهای

این جهان عبور کرده، چهره‌های آسمانی و ملکوتی پیدا می‌کند.  
جامعه سکولار و دنیوی انواع مختلفی دارد. غرب بعد از رنسانس با همه جوامع متفاوتی که در آن پدید آمده است، هویت سکولار و دنیوی دارد.  
جامعه مقدس و معنوی را به دو صورت توحیدی و اساطیری می‌توان تقسیم کرد. فرهنگ اسلام و فرهنگ انبیای الهی تفسیر توحیدی و الهی از انسان ارائه می‌دهند، اما فرهنگ اساطیری که به خداوندگان و قدرت‌های فوق طبیعی قائل است، محصول انحراف بشر از فرهنگ توحیدی و خروج انسان از جهانی است که به فطرت و آفرینش او متعلق است.  
جهان‌های اجتماعی بشر را براساس صادق یا کاذب بودن عقاید، ارزش‌ها و آرمان‌های آنها، می‌توان به دو نوع حق و باطل تقسیم کرد. چنانکه قرآن کریم حرکت‌های اجتماعی بشر را به دو جریان حق و باطل تقسیم می‌کند.

#### گفت‌وگو کنید

با راهنمایی معلم خود دو نظام اجتماعی سکولار که طی قرن بیستم، جهان را به دو قطب تقسیم می‌کردند - نام ببرید و تفاوت و شباهت‌های آنها را بیان کنید.